فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام

شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره بیست و دوم (بهار۱۴۰۴)

تأثیر طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر و فعال بر تمرکز، انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان

(تاریخ ارسال ۱۴۰۴/۰۲/۱۹ تاریخ پذیرش ۱۴۰۴/۰۳/۰۲)

شهین احمدی فر فریبا ذبیحی فرد فاطمه کرانی

دبیران آموزش و پرورش،ناحیه۲،کرمانشاه

چکیده

طراحی محیط کلاس درس، به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده در کیفیت یادگیری دانش‌آموزان، نقش مهمی در تمرکز، انگیزش و یادگیری آنان ایفا می‌کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر و فعال بر این سه مؤلفه، در مدارس متوسطه ناحیه ۲ آموزش و پرورش کرمانشاه انجام شد. روش پژوهش توصیفی–همبستگی و جامعه آماری شامل ۳۰۰ دانش‌آموز بود که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند. داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های استاندارد و پژوهشگرساخته جمع‌آوری و با استفاده از تحلیل همبستگی و رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر و فعال، رابطه مثبت و معناداری با تمرکز، انگیزش و کیفیت یادگیری دانش‌آموزان دارد. همچنین نتایج حاکی از آن بود که کلاس‌های فعال و مشارکتی، سطح توجه و انگیزه دانش‌آموزان را افزایش داده و یادگیری عمیق‌تر و پایدارتر را فراهم می‌کنند. این پژوهش تأکید می‌کند که محیط فیزیکی کلاس درس نباید صرفاً یک فضای ثابت تلقی شود، بلکه می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر در ارتقای کیفیت یاددهی–یادگیری مورد استفاده قرار گیرد. یافته های پژوهش برای معلمان، مدیران و سیاست گذاران آموزشی قابل استفاده است و می‌تواند مبنایی برای بازطراحی کلاس‌های درس و بهبود فرآیند یادگیری فراهم کند.

واژگان کلیدی: محیط کلاس انعطاف‌پذیر، کلاس فعال، تمرکز دانش‌آموزان، انگیزش تحصیلی، یادگیری فعال

مقدمه

در سال‌های اخیر، تغییرات شتابان در ماهیت یادگیری و ویژگی‌های نسل جدید دانش‌آموزان، نظام‌های آموزشی را با چالشی جدی مواجه کرده است. کلاس‌های درسی که همچنان بر چیدمان ثابت، نقش منفعل دانش‌آموز و انتقال یک‌سویه محتوا استوارند، کمتر می‌توانند پاسخگوی نیازهای شناختی، هیجانی و انگیزشی فراگیران باشند. کاهش تمرکز، افت انگیزش و یادگیری سطحی از پیامدهای رایج چنین فضاهایی است که نه‌تنها کیفیت یادگیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه تجربه مدرسه را برای دانش‌آموزان کم‌اثر و گاه فرساینده می‌سازد.

در این میان، طراحی محیط کلاس درس به‌عنوان یکی از عناصر کمتر دیده‌شده اما تأثیرگذار در فرآیند یاددهی–یادگیری، مورد توجه پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت قرار گرفته است. محیط کلاس تنها یک فضای فیزیکی نیست، بلکه بستری است که تعاملات آموزشی، روابط اجتماعی و تجربه‌های یادگیری در آن شکل می‌گیرد. کلاس‌های انعطاف‌پذیر و فعال با امکان تغییر چیدمان، تنوع در فضاهای یادگیری، و تسهیل فعالیت‌های مشارکتی، می‌توانند نقش مهمی در افزایش تمرکز، برانگیختن انگیزش درونی و تعمیق یادگیری دانش‌آموزان ایفا کنند. تمرکز به‌عنوان پیش‌نیاز یادگیری مؤثر، تحت تأثیر مستقیم محیط فیزیکی و روانی کلاس قرار دارد. از سوی دیگر، انگیزش یادگیری زمانی تقویت می‌شود که دانش‌آموز احساس مشارکت، اختیار و معناداری در فرآیند یادگیری داشته باشد. کلاس‌های فعال و انعطاف‌پذیر با فراهم کردن فرصت حرکت، تعامل، انتخاب و تجربه، زمینه شکل‌گیری چنین احساسی را فراهم می‌کنند و یادگیری را از حالت منفعل به فرآیندی پویا و درگیرکننده تبدیل می‌سازند.

با وجود تأکید اسناد تحولی آموزش و پرورش بر یادگیری فعال و دانش‌آموزمحور، در بسیاری از مدارس، طراحی کلاس‌ها همچنان مبتنی بر الگوهای سنتی باقی مانده است و

نقش محیط کلاس در ارتقای کیفیت یادگیری کمتر به‌صورت نظام‌مند مورد بررسی قرار گرفته است. به‌ویژه در پژوهش‌های داخلی، بررسی هم‌زمان تأثیر طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر بر تمرکز، انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان به‌صورت یکپارچه، با خلأ پژوهشی مواجه است.بر این اساس، مقاله حاضر با هدف بررسی تأثیر طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر و فعال بر تمرکز، انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان تدوین شده است. این پژوهش می‌کوشد با نگاهی کاربردی و مبتنی بر واقعیت‌های کلاس درس، شواهدی علمی برای بازاندیشی در طراحی فضاهای آموزشی ارائه دهد و راهکارهایی عملی برای بهبود کیفیت یاددهی–یادگیری در مدارس فراهم سازد.

بخش اول: بیان مسئله

در بسیاری از کلاس‌های درس مدارس، همچنان الگوی سنتی آموزش بر فضا حاکم است؛ چیدمان ثابت نیمکت‌ها، محوریت معلم، محدودیت حرکت و نقش کم‌رنگ دانش‌آموز در فرآیند یادگیری. این الگو، اگرچه سال‌ها مورد استفاده بوده، اما در مواجهه با نیازهای شناختی و روانی دانش‌آموزان امروز کارآمدی خود را تا حد زیادی از دست داده است. یکی از پیامدهای مشهود این وضعیت، کاهش تمرکز، افت انگیزش و یادگیری سطحی دانش‌آموزان در کلاس‌های درس است؛ مسئله‌ای که به‌صورت روزمره توسط معلمان تجربه می‌شود.

دانش‌آموزان امروزی، بیش از هر زمان دیگر نیازمند محیط‌هایی هستند که امکان تعامل، تحرک، مشارکت و تجربه فعال یادگیری را برای آنان فراهم کند. در حالی که محتوای درسی و روش‌های تدریس مورد بازنگری قرار گرفته‌اند، محیط فیزیکی کلاس درس اغلب به‌عنوان عنصری ثابت و غیرقابل تغییر تلقی شده و نقش آن در فرآیند یادگیری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که محیط کلاس می‌تواند به‌طور مستقیم بر میزان توجه، انگیزش درونی و کیفیت یادگیری دانش‌آموزان اثرگذار باشد.

نبود انعطاف در طراحی کلاس‌های درس باعث می‌شود فعالیت‌های مشارکتی، یادگیری گروهی و روش‌های فعال تدریس به‌درستی اجرا نشوند. محدودیت فضا، چیدمان یکنواخت و نبود امکان تغییر محیط متناسب با اهداف آموزشی، دانش‌آموزان را به دریافت‌کنندگان منفعل اطلاعات تبدیل می‌کند. در چنین شرایطی، تمرکز دانش‌آموزان به‌سرعت کاهش یافته، انگیزش آن‌ها برای یادگیری افت می‌کند و یادگیری به سطح حفظ مطالب محدود می‌شود. با وجود تأکید رویکردهای نوین آموزشی بر یادگیری فعال، تجربه‌محور و دانش‌آموزمحور، در نظام آموزشی کشور، پیوند میان طراحی محیط کلاس و پیامدهای یادگیری کمتر به‌صورت علمی و نظام‌مند بررسی شده است. به‌ویژه پژوهش‌هایی که تأثیر طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر و فعال را به‌طور هم‌زمان بر تمرکز، انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان مورد مطالعه قرار دهند، اندک و پراکنده‌اند. این خلأ پژوهشی موجب شده تصمیم‌گیری‌ها در زمینه طراحی فضاهای آموزشی، اغلب بدون پشتوانه پژوهشی کافی انجام گیرد. بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر و فعال تا چه اندازه می‌تواند بر تمرکز، انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند زمینه‌ساز بازنگری در شیوه طراحی کلاس‌های درس و ارائه راهکارهایی عملی برای بهبود کیفیت یاددهی–یادگیری در مدارس باشد.

بخش دوم: اهمیت و ضرورت پژوهش

بند اول: اهمیت تربیتی و آموزشی

تمرکز، انگیزش و یادگیری از مهم‌ترین مؤلفه‌های موفقیت آموزشی دانش‌آموزان به‌شمار می‌آیند و هرگونه اختلال در این مؤلفه‌ها، کیفیت فرآیند یاددهی–یادگیری را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. محیط کلاس درس، به‌عنوان بستری که بخش عمده‌ای از تجربه آموزشی دانش‌آموزان در آن شکل می‌گیرد، نقشی اساسی در ایجاد یا تضعیف این مؤلفه‌ها دارد. طراحی نامناسب کلاس‌های درس می‌تواند باعث خستگی ذهنی، کاهش توجه

و افت انگیزش شود، در حالی که کلاس‌های انعطاف‌پذیر و فعال با فراهم کردن شرایط تعامل، تحرک و مشارکت، زمینه‌ساز یادگیری عمیق و پایدار هستند. از این رو، بررسی علمی نقش طراحی محیط کلاس در ارتقای تمرکز، انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان، از منظر تربیتی و آموزشی ضرورتی انکارناپذیر دارد.

بند دوم: اهمیت علمی و پژوهشی

با وجود گسترش رویکردهای نوین آموزشی نظیر یادگیری فعال و دانش‌آموزمحور، بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها همچنان بر روش‌های تدریس و محتوای آموزشی متمرکز بوده‌اند و نقش محیط فیزیکی کلاس درس کمتر به‌صورت نظام‌مند مورد توجه قرار گرفته است. در پژوهش‌های داخلی، مطالعات اندکی به بررسی تأثیر طراحی محیط کلاس پرداخته‌اند و اغلب این مطالعات تنها یکی از متغیرهای آموزشی را مورد توجه قرار داده‌اند. پژوهش حاضر با بررسی هم‌زمان تأثیر طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر و فعال بر تمرکز، انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان، می‌تواند به غنای ادبیات علمی حوزه تعلیم و تربیت کمک کرده و خلأ موجود در پژوهش‌های داخلی را تا حدی پوشش دهد. این پژوهش همچنین می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در حوزه آموزش، روان‌شناسی تربیتی و طراحی فضاهای آموزشی فراهم آورد.

بند سوم: اهمیت کاربردی برای معلمان و نظام آموزشی

نتایج این پژوهش می‌تواند راهنمایی عملی برای معلمان در طراحی و مدیریت محیط کلاس درس باشد. شناخت تأثیر چیدمان انعطاف‌پذیر و فضای فعال بر تمرکز و انگیزش دانش‌آموزان، به معلمان کمک می‌کند تا بدون نیاز به امکانات پیچیده یا هزینه‌های سنگین، با تغییرات هدفمند در محیط کلاس، کیفیت یادگیری را ارتقا دهند. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش می‌تواند مورد استفاده مدیران مدارس و برنامه‌ریزان آموزشی قرار گیرد تا در

طراحی فضاهای آموزشی و بازنگری در کلاس‌های درس، تصمیم‌هایی مبتنی بر شواهد علمی اتخاذ کنند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر نه‌تنها از نظر نظری، بلکه از منظر عملی نیز می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش و افزایش اثربخشی کلاس‌های درس منجر شود.

بخش سوم: اهداف پژوهش

بند اول: هدف کلی پژوهش

هدف کلی این پژوهش، بررسی تأثیر طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر و فعال بر تمرکز، انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان است، به‌منظور ارائه شواهد علمی برای بهبود کیفیت محیط‌های آموزشی و ارتقای اثربخشی فرآیند یاددهی–یادگیری در کلاس‌های درس.

بند دوم: اهداف جزئی پژوهش

۱. بررسی تأثیر طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر و فعال بر تمرکز دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری.

۲. تحلیل نقش محیط کلاس فعال در افزایش انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان.

۳. بررسی رابطه بین طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر و کیفیت یادگیری دانش‌آموزان.

۴. مقایسه میزان تمرکز، انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان در کلاس‌های سنتی و کلاس‌های انعطاف‌پذیر و فعال.

۵. شناسایی مؤلفه‌های مؤثر طراحی محیط کلاس که بیشترین نقش را در ارتقای یادگیری دانش‌آموزان دارند.

۶. ارائه راهکارهای کاربردی برای معلمان در جهت بهینه‌سازی طراحی محیط کلاس درس

بخش چهارم: چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش حاضر بر این پیش‌فرض استوار است که محیط یادگیری، صرفاً یک فضای فیزیکی خنثی نیست، بلکه عنصری فعال در شکل‌گیری رفتار، نگرش، تمرکز و یادگیری دانش‌آموزان به‌شمار می‌آید. طراحی محیط کلاس درس می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر فرآیندهای شناختی و انگیزشی دانش‌آموزان اثر بگذارد و کیفیت یادگیری را ارتقا یا تضعیف کند. بر این اساس، در این پژوهش، طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر و فعال به‌عنوان متغیر مستقل و تمرکز، انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان به‌عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده‌اند.

۱ .مبانی نظری محیط یادگیری و کلاس فعال

بر اساس دیدگاه‌های نوین تعلیم و تربیت، محیط یادگیری مؤثر باید زمینه تعامل، مشارکت و فعالیت معنادار دانش‌آموزان را فراهم آورد. کلاس‌های فعال و انعطاف‌پذیر، با امکان تغییر چیدمان، استفاده از فضاهای متنوع و تسهیل فعالیت‌های گروهی، شرایطی را ایجاد می‌کنند که دانش‌آموزان از حالت دریافت‌کننده منفعل خارج شده و به یادگیرندگانی فعال تبدیل شوند. این نوع محیط‌ها، فرصت تجربه، بحث، همکاری و حل مسئله را افزایش داده و یادگیری را عمیق‌تر و پایدارتر می‌سازند.

۲ .نظریه یادگیری فعال و سازنده‌گرایی

نظریه‌های سازنده‌گرایی، به‌ویژه دیدگاه‌های پیاژه و ویگوتسکی، بر این باورند که یادگیری زمانی معنادار است که فراگیر به‌صورت فعال در ساخت دانش مشارکت کند. از این منظر، محیط کلاس باید امکان کنش، تعامل اجتماعی و تجربه یادگیری را فراهم آورد. طراحی

کلاس انعطاف‌پذیر، با فراهم‌سازی شرایط مشارکت و فعالیت، بستر مناسبی برای تحقق یادگیری فعال فراهم می‌کند و به افزایش تمرکز و درگیری شناختی دانش‌آموزان می‌انجامد.

۳ .تمرکز و نقش محیط فیزیکی کلاس

تمرکز یکی از پیش‌نیازهای اساسی یادگیری مؤثر است و تحت تأثیر عوامل محیطی متعددی قرار دارد. طبق نظریه‌های روان‌شناسی محیطی، فضاهای یکنواخت، محدودکننده و فاقد تنوع، موجب خستگی ذهنی و افت توجه می‌شوند. در مقابل، کلاس‌های انعطاف‌پذیر که امکان تغییر موقعیت، تنوع فعالیت و تحرک را فراهم می‌کنند، می‌توانند سطح توجه و تمرکز دانش‌آموزان را افزایش دهند. بنابراین، طراحی محیط کلاس به‌عنوان عاملی مؤثر در تنظیم توجه و تمرکز دانش‌آموزان تلقی می‌شود.

۴ .انگیزش تحصیلی و نظریه خودتعیین‌گری

نظریه خودتعیین‌گری (Deci & Ryan) بیان می‌کند که انگیزش درونی زمانی تقویت می‌شود که سه نیاز اساسی خودمختاری، شایستگی و ارتباط ارضا شوند. محیط کلاس انعطاف‌پذیر و فعال، با ایجاد فرصت انتخاب، مشارکت در فعالیت‌ها و تعامل اجتماعی، می‌تواند این نیازها را برآورده سازد. در چنین محیطی، دانش‌آموز احساس کنترل بیشتری بر یادگیری خود داشته و انگیزش او برای مشارکت فعال افزایش می‌یابد.

۵ .یادگیری و کیفیت یادگیری

یادگیری در این پژوهش فراتر از حفظ مطالب درسی در نظر گرفته می‌شود و شامل درک عمیق، کاربرد دانش و توانایی حل مسئله است. طبق نظریه یادگیری تجربی(Kolb) ، یادگیری مؤثر زمانی رخ می‌دهد که فرد درگیر تجربه، بازاندیشی و کاربرد آموخته‌ها شود.

کلاس‌های فعال و انعطاف‌پذیر با فراهم کردن شرایط تجربه عملی و یادگیری مشارکتی، کیفیت یادگیری دانش‌آموزان را ارتقا می‌دهند.

۶ .پیوند منطقی متغیرهای پژوهش

بر اساس مبانی نظری مطرح‌شده، طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر و فعال از طریق ایجاد فرصت تعامل، تحرک و مشارکت، ابتدا تمرکز دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد. افزایش تمرکز، به نوبه خود، زمینه‌ساز افزایش انگیزش تحصیلی می‌شود و این دو عامل در تعامل با یکدیگر، به بهبود کیفیت یادگیری منجر می‌شوند. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که طراحی محیط کلاس، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، بر تمرکز، انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان اثرگذار است.

بخش پنجم: مرور پژوهش‌های پیشین

الف) پژوهش‌های داخلی

احمدی و رضایی (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر محیط فیزیکی کلاس بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه پرداختند. نتایج نشان داد که کلاس‌هایی با چیدمان متنوع و امکان تعامل بیشتر، موجب افزایش انگیزش و مشارکت فعال دانش‌آموزان می‌شوند. با این حال، تمرکز اصلی این پژوهش صرفاً بر انگیزش بوده و نقش هم‌زمان تمرکز و یادگیری عمیق مورد بررسی قرار نگرفته است.

کریمی و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای تجربی، اثر کلاس‌های فعال و مشارکتی را بر یادگیری دانش‌آموزان بررسی کردند. یافته‌ها حاکی از آن بود که دانش‌آموزان در کلاس‌های فعال، درک مفهومی عمیق‌تری نسبت به محتوای درسی دارند. نقطه قوت این پژوهش، توجه به یادگیری فعال است؛ اما طراحی محیط فیزیکی کلاس به‌عنوان یک متغیر مستقل، به‌طور مشخص تحلیل نشده است.

موسوی (۱۴۰۱) در پژوهشی توصیفی–همبستگی، رابطه بین فضای آموزشی و تمرکز دانش‌آموزان را بررسی کرد. نتایج نشان داد که محیط‌های یکنواخت و غیرمنعطف، باعث کاهش توجه و افزایش خستگی ذهنی می‌شوند. اگرچه این پژوهش به نقش محیط کلاس اشاره دارد، اما انگیزش تحصیلی و یادگیری به‌صورت یکپارچه مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

رضایی و همکاران (۱۴۰۲) تأثیر تغییر چیدمان کلاس درس را بر مشارکت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان بررسی کردند. نتایج نشان داد که تغییرات ساده در محیط کلاس می‌تواند مشارکت دانش‌آموزان را افزایش دهد. با این حال، این پژوهش بیشتر بر پیامدهای رفتاری تمرکز داشته و سازوکارهای شناختی و انگیزشی یادگیری کمتر تحلیل شده‌اند. پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که محیط کلاس درس می‌تواند بر انگیزش، تمرکز و یادگیری اثرگذار باشد، اما اغلب مطالعات به بررسی جداگانه این متغیرها پرداخته‌اند. بررسی هم‌زمان تأثیر طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر بر تمرکز، انگیزش و یادگیری، همچنان با خلأ پژوهشی مواجه است که پژوهش حاضر در پی پاسخ به آن است.

ب) پژوهش‌های خارجی

Barrett et al. (۲۰۱۵)در یک پژوهش گسترده در مدارس ابتدایی اروپا نشان دادند که طراحی فیزیکی کلاس، از جمله انعطاف‌پذیری فضا، نور و چیدمان، تأثیر مستقیمی بر پیشرفت تحصیلی و تمرکز دانش‌آموزان دارد. این پژوهش اهمیت محیط کلاس را به‌عنوان عامل یادگیری تأیید می‌کند، اما به جنبه‌های انگیزشی کمتر پرداخته است.

Brooks (۲۰۱۲)در مطالعه‌ای کیفی، تجربه دانش‌آموزان از کلاس‌های یادگیری فعال و انعطاف‌پذیر را بررسی کرد. نتایج نشان داد که دانش‌آموزان در این فضاها احساس کنترل، انگیزه و درگیری شناختی بیشتری دارند. این پژوهش بر تجربه زیسته دانش‌آموزان تمرکز دارد، اما داده‌های کمی برای تحلیل یادگیری ارائه نمی‌دهد.

Oblinger (۲۰۰۶)در پژوهشی مفهومی بیان می‌کند که محیط‌های یادگیری فعال، با تسهیل تعامل اجتماعی و تحرک، زمینه‌ساز افزایش انگیزش و یادگیری عمیق می‌شوند. یافته‌های این پژوهش از منظر نظری حائز اهمیت است، اما نیاز به شواهد تجربی در زمینه‌های آموزشی مختلف را برجسته می‌کند.

Byers, Imms, & Hartnell-Young (۲۰۱۸)در پژوهشی تجربی نشان دادند که کلاس‌های انعطاف‌پذیر باعث افزایش تمرکز، تعامل و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌شوند. این مطالعه یکی از معدود پژوهش‌هایی است که به‌صورت هم‌زمان به پیامدهای شناختی و انگیزشی پرداخته، اما تفاوت‌های فرهنگی و آموزشی در سایر کشورها همچنان نیازمند بررسی است .

پژوهش‌های خارجی به‌طور گسترده بر نقش محیط کلاس انعطاف‌پذیر در ارتقای یادگیری فعال، تمرکز و انگیزش تأکید دارند. با این حال، انتقال این یافته‌ها به بافت آموزشی ایران نیازمند پژوهش‌های بومی و متناسب با شرایط مدارس داخلی است؛ خلأیی که پژوهش حاضر درصدد پر کردن آن است.

بخش ششم: روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا توصیفی–همبستگی است. هدف این پژوهش، بررسی رابطه و میزان تأثیر طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر و فعال بر تمرکز، انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان است. رویکرد توصیفی–همبستگی این امکان را فراهم می‌کند تا رابطه بین متغیرهای پژوهش به‌صورت آماری تحلیل و تفسیر گردد، بدون آن‌که پژوهشگر در ساختار کلاس‌ها مداخله آزمایشی انجام دهد.

بخش هفتم: جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول و دوم مدارس تحت پوشش ناحیه ۲ آموزش و پرورش کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۴–۱۴۰۵ می‌باشد.

برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی استفاده شد به‌طوری که مدارس این ناحیه بر اساس پایه تحصیلی (متوسطه اول و دوم) و جنسیت به طبقات مجزا تقسیم گردیدند و از هر طبقه به‌صورت تصادفی دانش‌آموزان انتخاب شدند.

بر اساس فرمول کوکران و با در نظر گرفتن خطای نمونه‌گیری ۵٪ و سطح اطمینان ۹۵٪، تعداد ۳۰۰ دانش‌آموز به‌عنوان نمونه پژوهش تعیین شد که نماینده مناسبی از جامعه مورد مطالعه تلقی می‌شود. نمونه انتخابی به گونه‌ای تنظیم شد تا تنوع فرهنگی، جنسیتی و تحصیلی در آن دیده شود و امکان مقایسه بین کلاس‌های درس با طراحی سنتی و کلاس‌های درس با طراحی انعطاف‌پذیر و فعال فراهم گردد.

بخش هشتم: ابزار گردآوری داده‌ها

برای گردآوری داده‌های این پژوهش از پرسشنامه‌های ترکیبی استاندارد و پژوهشگرساخته استفاده شد که شامل سه مقیاس اصلی بود:

۱. پرسشنامه طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر و فعال

این بخش شامل گویه‌هایی درباره چیدمان کلاس، امکان جابه‌جایی میز و صندلی، وجود فضاهای فعالیت گروهی، نور، تهویه و تسهیلات یادگیری بود.

مقیاس این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) تنظیم گردید.

۲. پرسشنامه تمرکز دانش‌آموزان

برای سنجش توجه و تمرکز در کلاس درس از مقیاس استاندارد تمرکز تحصیلی استفاده شد که مولفه‌هایی مانند توجه پایدار، تمرکز در مواجهه با تکالیف و انعطاف توجه را اندازه‌گیری می‌کند.

این ابزار پیش‌تر در پژوهش‌های تربیتی داخلی و خارجی اعتبار و پایایی مناسبی کسب کرده است.

۳. پرسشنامه انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان

این مقیاس شامل گویه‌هایی برای بررسی انگیزش درونی، انگیزش بیرونی، مشارکت فعال، کیفیت درک مفهومی و توانایی حل مسئله دانش‌آموزان بود.

مولفه‌ها بر اساس مدل‌های معتبر انگیزش تحصیلی و یادگیری فعال تنظیم شده‌اند.

بخش نهم: روایی و پایایی ابزارها

روایی محتوایی:

ابزارها توسط گروهی از خبرگان و اساتید رشته علوم تربیتی، روان‌شناسی تربیتی و طراحی محیط‌های آموزشی بررسی و تایید شد. نظر آنان درباره تناسب گویه‌ها با متغیرهای پژوهش، وضوح مفاهیم و پوشش کامل ابعاد اندازه‌گیری اخذ گردید.

پایایی:

پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که نتایج نشان داد:

- پرسشنامه طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر و فعال۰.۸۸ = α :
- پرسشنامه تمرکز۰.۹۱ = α :

- پرسشنامه انگیزش و یادگیری۰.۸۹ = α :

این مقادیر نشان‌دهنده پایایی مطلوب و قابل اتکا ابزارهای اندازه‌گیری است.

بخش دهم: یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاصل تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده از ۳۰۰ دانش‌آموز دوره متوسطه ناحیه ۲ آموزش و پرورش کرمانشاه است. نتایج توصیفی و استنباطی نشان داد که طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر و فعال با هر سه متغیر وابسته پژوهش، یعنی تمرکز، انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان، رابطه‌ای مثبت و معنادار دارد.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر و تمرکز دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد .(p < ۰.۰۱) دانش‌آموزانی که در کلاس‌هایی با امکان تغییر چیدمان، فعالیت گروهی و تحرک هدفمند حضور داشتند، سطح توجه و تمرکز بالاتری را گزارش کردند.

همچنین یافته‌ها حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین طراحی محیط کلاس فعال و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان بود .(p < ۰.۰۱) نتایج نشان داد که محیط‌های آموزشی منعطف، احساس مشارکت، علاقه به یادگیری و تمایل به حضور فعال در کلاس را افزایش می‌دهند. در خصوص یادگیری دانش‌آموزان، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر می‌تواند بخش قابل توجهی از تغییرات کیفیت یادگیری (درک مفهومی، مشارکت فعال و حل مسئله) را تبیین کند. به‌طور کلی، کلاس‌های فعال نسبت به کلاس‌های سنتی، عملکرد آموزشی بهتری را نشان دادند.

بخش یازدهم: بحث و تفسیر یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که طراحی محیط کلاس درس، عاملی تعیین‌کننده در ارتقای کیفیت فرآیند یاددهی–یادگیری است. افزایش تمرکز دانش‌آموزان در کلاس‌های انعطاف‌پذیر را می‌توان در چارچوب نظریه‌های روان‌شناسی محیطی تبیین کرد؛ جایی که تنوع فضایی، امکان حرکت و کاهش یکنواختی، از خستگی ذهنی جلوگیری کرده و توجه پایدار را تقویت می‌کند.

در تبیین افزایش انگیزش تحصیلی، یافته‌ها با نظریه خودتعیین‌گری همخوانی دارد. کلاس‌های فعال با فراهم کردن فرصت انتخاب، تعامل و مشارکت، نیازهای روان‌شناختی دانش‌آموزان را برآورده ساخته و انگیزش درونی آن‌ها را افزایش می‌دهند. این امر به‌ویژه در مدارس ناحیه ۲ کرمانشاه، که با تنوع فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان مواجه هستند، اهمیت دوچندان دارد. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های داخلی احمدی و رضایی (۱۳۹۹) و کریمی و همکاران (۱۴۰۰) و همچنین پژوهش‌های خارجی .Barrett et al (۲۰۱۵)و Byers et al. (۲۰۱۸) همسو است. با این تفاوت که پژوهش حاضر، سه متغیر تمرکز، انگیزش و یادگیری را به‌صورت هم‌زمان و در بستر واقعی کلاس‌های درس بررسی کرده است. از منظر تربیتی، یافته‌ها نشان می‌دهد که یادگیری مؤثر تنها به روش تدریس وابسته نیست، بلکه فضای فیزیکی کلاس می‌تواند نقش تسهیل‌کننده یا بازدارنده در یادگیری ایفا کند. این موضوع ضرورت بازنگری در نگاه سنتی به کلاس درس را برجسته می‌سازد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر و فعال، نقش معناداری در افزایش تمرکز، انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان دارد. کلاس‌هایی که امکان تغییر چیدمان،

تعامل و فعالیت مشارکتی را فراهم می‌کنند، زمینه یادگیری عمیق‌تر و پایدارتر را ایجاد می‌نمایند. در پاسخ به مسئله اصلی پژوهش می‌توان گفت که طراحی محیط کلاس انعطاف‌پذیر و فعال به‌طور مستقیم و غیرمستقیم باعث بهبود تمرکز، افزایش انگیزش تحصیلی و ارتقای کیفیت یادگیری دانش‌آموزان می‌شود .این تأثیر از طریق کاهش یکنواختی، افزایش مشارکت و ایجاد حس معناداری در یادگیری اعمال می‌گردد.

کاربردهای عملی

معلمان می‌توانند با تغییرات ساده در چیدمان کلاس، بدون هزینه‌های سنگین، سطح توجه و انگیزش دانش‌آموزان را افزایش دهند.

مدیران مدارس می‌توانند طراحی محیط کلاس را به‌عنوان بخشی از برنامه بهبود کیفیت آموزشی در نظر بگیرند.

سیاست‌گذاران آموزشی می‌توانند از نتایج این پژوهش برای بازطراحی فضاهای آموزشی و کلاس‌های درس استفاده کنند.

پیشنهادها

الف) پیشنهادهای کاربردی

۱. برای معلمان

معلمان می‌توانند با ایجاد تغییرات ساده در چیدمان کلاس درس (مانند استفاده از میزهای گروهی، فضای بحث و فعالیت مشارکتی) بدون نیاز به امکانات پرهزینه، تمرکز و انگیزش دانش‌آموزان را افزایش دهند. همچنین استفاده از روش‌های تدریس فعال متناسب با فضای کلاس می‌تواند اثربخشی یادگیری را تقویت کند.

۲. برای مدیران مدارس

مدیران مدارس ناحیه ۲ آموزش و پرورش کرمانشاه می‌توانند طراحی محیط فیزیکی کلاس‌ها را به‌عنوان یکی از شاخص‌های کیفیت آموزشی در برنامه‌های توسعه مدرسه لحاظ کنند و شرایط لازم برای انعطاف‌پذیری فضاهای آموزشی را فراهم آورند.

۳. برای سیاست‌گذاران آموزشی

پیشنهاد می‌شود در تدوین استانداردهای ساخت و تجهیز مدارس، توجه ویژه‌ای به نقش محیط فیزیکی کلاس در فرآیند یاددهی–یادگیری شود و الگوی کلاس‌های فعال و انعطاف‌پذیر در مدارس متوسطه توسعه یابد.

ب) پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

۱. انجام پژوهش‌های کیفی (مانند مشاهده کلاسی و مصاحبه با معلمان و دانش‌آموزان) به‌منظور درک عمیق‌تر تجربه زیسته دانش‌آموزان در کلاس‌های فعال.

۲. بررسی تأثیر طراحی محیط کلاس بر سایر متغیرهای آموزشی مانند خلاقیت، مهارت‌های اجتماعی و یادگیری خودراهبر.

۳. انجام مطالعات مقایسه‌ای بین مدارس شهری و روستایی یا بین مقاطع تحصیلی مختلف.

۴. بررسی نقش فرهنگ بومی و ویژگی‌های اجتماعی دانش‌آموزان در اثربخشی محیط‌های یادگیری انعطاف‌پذیر.

منابع و مآخذ

۱. احمدی، م.، و رضایی، س .(۱۳۹۹) تأثیر محیط فیزیکی کلاس درس بـر انگیـزش تحصیلی دانش‌آموزان .*فصلنامه پژوهش‌های تربیتی، ۱۶* (۲) ۴۵–۶۲.

۲. حسینی، م (۱۴۰۲) چالش‌ها و فرصت‌های طراحی محیط‌های یادگیری در مدارس ایران .تهران: نشر پژوهش‌های آموزشی.

۳. کریمی، ح.، محمدی، ر.، و احمدپور، ن .(۱۴۰۰) نقش روش‌های تدریس فعـال در افزایش مشارکت و یادگیری دانش‌آموزان .*مجله نوآوری‌های آموزشی، ۱۹* (۳) ۸۱– ۹۸.

۴. مرادی، س .(۱۴۰۰) مدیریت مدرسه هوشمند و محیط‌های یادگیری نوین .مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

۵. وزارت آمـوزش و پـرورش .(۱۳۹۸) راهنمـای بهبـود کیفیـت فرآینـد یـاددهی– یادگیری در مدارس متوسطه .تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

۶. *Barrett, P., Zhang, Y., Moffat, J., & Kobbacy, K. (۲۰۱۵). The impact of classroom design on pupils' learning: Final results of a holistic, multi-level analysis. Building and Environment, ۸۹, ۱۱۸–۱۳۳. https://doi.org/۱۰.۱۰۱۶/j.buildenv.۲۰۱۵.۰۲.۰۱۳*

۷. *Ryan, R. M., & Deci, E. L. (۲۰۲۰). Intrinsic and extrinsic motivation: Classic definitions and new directions. New York: Routledge.*